



(نظامنامه اجراءات تصفیہ محاسبہ ماضیہ)

اصول کلیہ

قاعدہ (۱) :- در افغانستان تصفیہ محاسبہ ماضیہ ذمہ گی ماورین دولت و عہدہ داران و دیگر اشخاصیکہ بالذات بدولت مسؤل شناختہ میشوند مطابق اجراءات ذیل تعمیل میشود.

(۲) :- جناب ذمت رعایا مطابق نظامات و اعلانات موضوعہ کہ داخل معافی آمدہ است درین نظامنامہ تطبیق

و مراعت و صرف نظر کردہ میشود.
(۳) :- این نظامنامہ تصفیہ محاسبہ ماضیہ در بارہ محاسبہ ماورین

و عهده براران و اشخاصیکه بالذات بدولت میدادند
 و از ابتدا سنه قمری هجری مطابق سنه ۱۲۸۳ شمسی الی آخر
 سنه ۱۲۹۷ آخر سلطنت علیحضرت شهید شامل ماموریت
 دولت بودند تطبیق داده میشود بر حسابات و باقیات
 ماقبل از سنه ۱۲۸۳ آتیانظامنامه جداگانه تنظیم
 خواهد یافت .

(۴) - جمع و خرج ما و اوجه ما یکجا تا حال قطع نشده و باقی آن
 معین نشده بقرارات ذیل اجرا شود.

الف - حساباتیکه تعلق کدام داران و خزانه داران
 و تحویلداران دولت باشد اسم دوله و سهاکنین
 شان بر انائب الحکومه و حکومتیهایی اعلی
 خبر داده شود که خود نفر یا خواسته در مال
 و ملک و جاداد شان بواسطه علاقه دار
 و قریه دار و کلابی فتنه علاقه داری علم
 آوری شود بدون از علم آوری جاداد و مال

و ملک او دیگر هیچ تکلیف بالا او و تعلقاً او
 نشود پس از علم آوری صورت تحقیقات خود را
 به مدیریت تصفیة محاسبه روانه کند.

ب- مأمورین محاسبه علم و حساب مذکور بیاورند
 که بعد از مغزولی او مالهای ذمه گوی او
 موجود شده و یا موجودی نشده اگر موجودی
 شده باشد اتمام کار مذکور بجز موعده و چه
 مصارف میشود جاداد شخص حسابده است
 اگر جاداد شخص حسابده اضافه و مصرف
 ساختن حساب او کمتر شود حساب او تمام
 و باقی او معتبر شود، والا که شخص حسابده
 جاداد نداشته باشد یا جاداد آن از نظر
 ساختن حساب شان کمتر باشد و ساختن حساب
 آن حاصل بدولت نداشته باشد درین قسم
 حساب صرف نظر کرده شود.

ج: - محاسبانیکه قطع نشده باشد و تحویلداران
 و کارداران فوت و فرار و لاجداد باشد
 مأمورین محاسبه علم خود را بیاورند که حساب
 تحویلی او بکجا است چیزی موجود است
 و یا موجود نیست باشد اگر موجود باشد آدم مقرر
 کرده موجودی و تحویل تحویلدار نماید و الا که موجود
 نباشد ساختن حساب تکلیف زیاد و لا حاصل
 باشد صرف نظر کرده شود.

د: - چون مدعا از حساب علم آوری دخل و خرج است
 اگر جمع و خرج ساخته و باقی برآمده باشد
 باقی از قرار جمع و خرج و اگر جمع ساخته
 نشده باشد او ارجه قطع و تمام باشد از قرار
 باقی او ارجه و اگر او ارجه نباشد روزنامه
 و رپورت که فاضل و باقی نوشته داشته
 باشد و یا او ارجه رقم که رقم بر رقم آن باقی

برآمده باشد باقی حساب معلوم میشود هر قسم
حساب که باقی حال معلوم شود همان قسم
حساب درست است حاجت بساختن
جمع و خرج و خلاصه علیحده ندارد و الا که
اوارجه و روزنامه و جمع و خرج اسباب
حساب موجود نشود و خود عامل و ضابط و
کاردار فوت و فرار و لاجداد باشد صرف نظر
کرده شود .

(۵) - در باب حساباتیکه ناتمام باشد و قطع فیصله آن ضرور

ملاحظه شود بقرارات ذیل اجرا شود .

الف - محاسباتی که عامل و ضابط مقرری داشت

و عامل و ضابط آن حیات باشد حسابات

مذکور را قطع و تمام نمایند .

ب - محاسباتی که عامل و ضابط داشته باشد

وفوت و فرار باشد و ورثه آن صاحب

جای داد باشد باید خود ورثه و یا وکیل او
 که موجود باشد حساب را قطع کند و یا وکیل جدید
 بگیرد، و اگر ورثه مذکورند اشتباه باشد و یا
 ورثه او صغیر باشد از طرف دولتی نوشته
 موقتی گرفته حساب مذکور تمام شود و تنخواه
 نویسنده از ورثه او گرفته شود.

ج - محاسبانیکه تجویذ اروضا بعد از اشتباه نویسنده

علیه مقرر شده باشد یا اشتباه باشد و یا نویسنده
 آن فوت و فرار و لا وارث و یا لا جاد او بود
 باشد نویسنده موقتی گرفته حساب مذکور قطع
 شود و تنخواه بقرار امضا سبک نامورین تصفیة
 محاسبان دولت داده شود.

(۶) - در باب تصفیة باقی باقیدانان که بعد از مجرائی در کاتیکه

در معطلی و تحقیق طلب مانده بود و بقرار قواعد شعاع اول
 در تحت مجرائی و معافی آمده باقی مانده نامورین دولت

و یا عہدہ برابر با نامد مأمورین تصفیہ محاسبہ ماضیہ صورت
 باقی ذمہ کی اور تفصیل وار بنویسند اگر از ایالت کابل
 باشد بر اسے والی کابل روانہ بدارند و اگر از ولایات
 و حکومتیہاے اعلیٰ باشد بر اسے نائب الحکومہ ما
 و حکام اعلیٰ بنویسد کہ (فلان شخص) ابن (فلان شخص)
 مأمور فلان مأموریت اینقدر وجہ از فلان سال دادن
 دارد و خود اورا خواستہ مدلل میکند کہ اگر بذمہ خود
 باقی مذکور راجع بدان خط قبولی با شرائط رسانیدن آن
 بہر محکمہ شرعیہ گرفتہ روانہ کند والا کہ وجہ مذکور را بذمہ
 خود حق نداند و رسید و سند حسابی دہشتہ باشد کہ
 بہ مجرائی محاسبہ او ملاحظہ نشدہ باشد نقل سند
 اورا بتاریخ و سال و اسم تحویل از دہشتہ صورت کتاب
 کہ بان ثبت است ورق ساختہ بحضور حکومتی حاضر
 دارد کہ علم در سند ات او بیاورند و بعد از علم آوری
 ورق مذکور را در دائرہ تصفیہ محاسبہ ماضیہ روانہ کند

که در حسابات او تطبیق بدینند و الا که سند و سبب
 نداشته باشد خط شرعی گرفته شود که الی (۳) ماه کمال
 حاضر شود و در فیصله حساب خود علم بیاورد اگر از دو ماه
 الی ۶ ماه حاضر نشد وجه باقی قطعاً بالاب احواله
 شود.

(۷) :- جمع و خرج مائیکه قطع شده و یا اوارجه مائیکه تمام شده
 و باقی آن معین شده علاوه سنجش و ملاحظه سندت
 ضرورت ندارد بهمان صورت که فیصله شده درست است
 باقی آن بقرار قواعد مقررّه که ایضاح یافته فیصله شود.

* * *

*

نظام اجراءات

(۸) - اشخاصیکہ دریک مأموریت دولت مستخدم بوده و خدمت کرده اند در زمان خدمت تنخواہ برائے او داده نشدہ و حالاً در محاسبہ خود با قید رسمت بقرار ذیل اجراء و تطبیق شود .

الف :- اگر تنخواہ شخصی و یا وظیفہ و یا مستمری ز طرف دولت برائے او مقرر بوده و تنخواہ زمان مأموریت او تا حال داده نشدہ باشد تنخواہ شخصی یا وظیفہ و یا مستمری زمان مأموریت او بعوض باقی او بعد تحقیق کہ از دیگر دفتر بردہ باشد مجری داده شود .

ب :- اگر تنخواہ شخصی و یا وظیفہ و یا مستمری مقرری نہ داشت سہ سال قبل از ملازمت و مأموریت او تدقیق شود ہر قدر تنخواہ کہ برائے کار

مذکور داده شده باشد سه یک سه ساله مذکور خواه
یکساله او شمرده شود، و اگر بیست تنخواه سه ساله
معین نشود از روی بیست تنخواه یکساله گذشته
هر قدر که ملازمت کرده باشد براسے او
مجری داده شود .

ج :- اگر در گذشته یا مورین اسبق تنخواه نبرده باشند
در صورت دیگر یا موریت که کار آن مطابق خدمت
او بوده باشد تطبیق داده تنخواه براسے او
مجری داده شود .

(۹) :- تنخواه عمال و ضابط و تحویلدار و بیاده و تراز و دار و
وظایف و مستمری مستری خوران و مکانہ ملککان از قرار
مقررہ ہر سالہ و منظوری گذشتہ در جمع و خرج ما
مجری شدہ و خرج دسترخوان حکومتیہا و مخارج جشن ما
و عیدین کہ بقرار حکمانہ حکام ماضیہ در جمع و خرج ما
مجری شدہ و باز بصیغہ سند طلب بازگشت شدہ

و در باقی افتاده مطابق مقرری و منظوری گذشته
 و مطابق حکنامه ماب حکام که در خصوص خرج مخرج
 و مخارج جشنها و عیدین احکام نموده اند مجرای شود
 و اگر در جمع خرجها مجری نشده باشد هم بقرار مقرری
 مجری داده شود.

(۱۰) :- در باب معطلی ژاله زده گی و ملخ خورده گی و آب برده گی
 املاک و خشک و خراب و قنات و کاریز مخروبه و
 زمینهاییکه داخل سرک رفته باشد و یا داخل رباط
 شده باشد و فوتی و فراری اصنافیکه در جمع مأمور
 یا عهده برار آمده باشد و یا متک زده گی و یا سنجته گی
 غایب که در جمع و خرجها بصیغه سند طلب معطل مانده
 باشد اگر در همان زمان مجلاست شرعی و یا عرفی
 و یا تصدیق حاکم و دفتری شده باشد بقرار مجلاست تصدیق
 مذکور مجری داده شود، در باب املاک آب برده و
 خشک و خراب علی التّفصیل بر المستوفیان حالیه اطلاع

داده شود که اگر آینده و پس آباد شده باشند و در
جمع دفتر جدید و یا غیره نیامده باشد افزود کرده
شود و اشخاصیکه اصنافی شان بدفتر داخل بوده
از پیشه خود دست بردار شده باشند بقرار
مجلّا و تصدیق حکام نیز بر اے شان مجرای

داده شود .

(۱۱) :- در باب درکات لاقبولی رعایا که بقرار اِدّ عاے
اِدّ عاطلب و یا راپورٹ مخبر و یا قلمداد ملک در جمع
قریه جات بسته شده و رعایا قبولدار شده در
گذشته و آینده گرفته نشده و چه مذکور را نرسانیده
و در حسابات در باقی بصیغه لاقبولی اقتاده درکات
مذکور بخرج حسابات مذکور مجرای شود .

(۱۲) :- در خصوص بذرا ملاک سرکاری و تنخواه مرکب کار
و باغبان و خوراکه مرکب و مصارف و مصالح الاملاک
که مطابق سررشته دفتر مجلّاے شرعی و یا رسید

عرفی در جمع و خرج ما مجزی شده بود در عین سخنش
 حساب بصیغه سند طلب بازگشت شده و تا حال
 سند سرکاری گرفته نشده و در باقی افتاده مطابق
 سر رشته دفتر که حاصل از بزرگم نباشد و یا بنا بر آفت
 کسر کرده باشد بقرار قبض شرعی یا عرفی و یا قین و حیره
 خورا که مال و تنخواه مرکب کار و باغبان در جمع و خرج ما
 مطابق بست سابقه مجزی داده شود .

(۱۳) - باقی جنس غله باب که در باقی جمع و خرج ما افتاده
 و قیمت آن از قرار تسعیر مندوی ولایت شده
 چون هر محال بخود تسعیر و قیمت علیحده دارد قیمت
 هر کدام موافق قیمت خود همان محال گرفته شود
 اگر قیمت محال معین نشود گرا به آن از روی
 بعد مسافت مندوی مطابق رواج رعیتی و محصول
 آن فیصد پنجر و پیه مجزی کرده شود .

(۱۴) - در باب گرا به گدام که غله و اجناس سرکار برار رسا
 نده

و رسید گدام را گرفته معطل رسید شرعی و یا برت
 بر کاری دفتر بوده در جمع و خرج ما مجری شده
 و در ثانی بدیوان بخش بازگشت شده و در باقی
 بر صیغه سند طلب افتاده که اینها مذکور مطابق
 سند یا جمع گدام دار و اندازه استبعاد منوع
 و قاعده گذشته مجری داده شود .

(۱۵) :- رسیدات گدامداران که اسامی رعایا بدست
 دارند و رسیدات مذکور را گدامداران و یا تحویلداران
 در جمع خود بسته نکرده بدیوان بخش رسید مذکور را
 داخل اضافه بر باقی عامل نموده در تحقیق طلب مانده
 است و تا حال بخرج مجری نشده رسیدات مذکور
 بعد از تحقیق مهر گدامدار و تحویلدار بخرج عاملان مجری
 داده شود .

الف :- گدامداران و تحویلداران که حیات باشند
 و یا جا داد داشته باشند بالاسر خودشان

حواله شود .

ب-۱- اشخاصیکه فوت و فرار و لاجا داد باشند

از دولت مجرای داده شود .

(۱۶۶) -۱- مأمورینیکه بعد از قطع محاسبه در حسابات خود فاضل

و باقی دارند بقرار ذیل اجرا شود .

الف-۱- گدا مداران و تحویلدارانیکه خرید و فروش

دارند از یک رقم جنس فاضل و از یک رقم جنس

باقی باشند فاضله آنها به تسعیر همان سال

و باقی شان بقیمت همان سال معین شود فاضله

از باقی مجرای داده شود و اگر خرید و فروش

نداشته باشند فاضله جو عوض باقی جواری

و یا فاضله جواری عوض باقی جو بقدر

قیمت فوق مجرای شود .

ب-۱- تحویلدارانیکه جنس تحویل شان شده و همچنین

بمصرف رسانیده و در حساب خود فاضل

و باقی گردیده اند فاصله ما بین سالهای
 ما قبل و ما بعدشان که برقم باقی بقیمت
 برابر باشد مجری داده شود .

ج: - اجناسیکه در حین مصارف تغییر رقم واقع
 شده باشد اگر تغییر رقم رنگ باشد
 یک رنگ بدیگر رنگ مجری شود ، اگر عرض
 و طول باشد از اجناس قیمت بجا که در عرض
 از یک گره الی سه گره و در طول از یک گره
 الی چهار گره که تفاوت داشته باشد مجری
 داده شود ، از اجناس کم بها مثل کلیم و شطرنجی
 و قالین در عرض از چهار گره الی شش گره
 و در طول از شش الی هشت گره که باشد
 مجری داده شود .

د: - اگر تفاوت رقم از تغییر رقم باشد مثلاً کشمیر
 نخ و پشمی مخلوط و یاسندی و شال و ابره و لنگی

زری و بساده که بقیمت تفاوت دارند و مس
 کارطوس و مس تسمه و برنج و آهن و فولاد و تفنگ
 انگیزی و کابلی و پناه پر و دهن پر و غیره و غیره
 چند نفر از نامورین تصفیة محاسبه با تفاق
 علم آورده هر قدر تغییرات مذکور نزدیک هم دیگر
 از یک رقم باشد با تفاق دستخط نموده اجناس
 هر رقم بر رقم آن مجزئی شود.

(۱۷) - اجناسیکه در باقی تحویلداران باشد و اجناسی که
 موجود نباشد بقرار قیمت همان سال که مال تحویل او شده
 قیمت آن گرفته شود.

(۱۸) - کسانی که فوت و یا مطلق نامعلوم باشند و مال تحویلی ایشان
 وجودی نشده باشد و تحویل دیگر تحویلدار نگردیده باشد نامورین
 تصفیة محاسبه با ضمیمه با جازت آمر ما فوق خودشان
 اشخاص معتبره مقرر داشته مال موجوده او تحویل تحویلدار
 لازم باشد تحویل بدارند و رسید تحویلدار را بخرج حسامه

مجرای بدارند .

(۱۹) :- خوراکه مال مواشی که از ملک و گدا مدارهای سرکاری

ملازمین کنند بقرار رسیدن یک مہر خود را گرفته و در خرج

حسابات مجری شده و در ثانی سنجشها بازگشت

کرده و در باقی بصیغہ سند طلب آورده اند بقرار

ذیل اجرا کرده شود :-

الف :- بد فقر کنند علم آورده شود اگر جیرہ مقرر ہی نما

مواشی بد فقر مانده باشد مجری داده شود .

ب :- اگر بد فقر سرکاری جیرہ مقرر ہی مال مواشی طلب

نمانده باشد قبضہ سے مذکور را بخرج عاملان مجری

بدینند .

ج :- نائبا نیکہ حیات باشند و جاداد داشته باشند

رسیدہ سے یک مہر شان کہ جیرہ مال خود را

برده باشند یا سہمی خود شان حوالہ شو نائبا نیکہ

فوت و فرار باشند و یا جاداد داشته باشند

بعد از استحصال اسناد قومی که در فوت بودن
ولا وارث و بے جاداد بودن بهمان نایب سند
شمرده شود، اینطور باقیات صرف نظر
کرده شود، اسناد قومی مراد از مجلّای
شرعی که در آن تصدیق کلانتر گذر و یا تصدیق
علاقه دار و قریه دار و از حاکم باشد سند
گفته میشود.

(۲۰) :- در باب خوراک نظامی که از گداهای سرکاری از نزد
دفتریان ملک بقرار رقیه و رسید خود نگرفته باشند
بتفصیل ذیل اجرا گردد :-

الف :- بدفتر نظام علم آوری شود اگر بقرار قلمداد
دفتریان تنخواه او شان مجری شده باشد
برای عاملان و گداهداران مجری داده شود.

ب :- اگر تنخواه نظامی بهین غرض بدفتر نظام معطل
کرده شده باشد حالا بموجب اسناد شان

بدخل تشخیص نخواه شان مجری نموده برآ
 عمال و گد امداران مجری داده شود .

ج :- اگر نظامی نخواه خود را کاملاً برده باشند
 بالاب همان نظامی حواله کرده شود و برآ
 عمال و گد امداران مجری داده شود .

د :- اگر نظامی فوت و لا وارث و بی جاد
 شناخته شود مطابق قاعده فوق الذکر
 که در باره نائبان کند تحریر یافته بعمل آورد
 از طرف دولت معاف گفته میشود .

(۲۱) :- در کاتیکه در جمع عهده دار و یا امانی کار بسته شد باشد
 و دیگر موضع تکرار داخل قلمداد آمده باشد و یا در جمع
 عهده دار علیحده بسته شده باشد تکراری آن از قرار
 مجلاست شرعی و عرفی که بتصدیق حکام و دفتریان
 همان زمان رسیده باشد و یا حالا بقرار قاعده دفتر
 تکراری آن ثابت شود در حساب مجری واد شود .

(۲۲) - در خصوص املاک سرکاری و بندرات و مگرکات و عمل
 للمی و خسبری و غیره که مأمورین دولت مقرر بودند و
 در عمل مأموریت شان نسبت بعمل سال گذشته
 کسر واقع شده و در قریان کسر عمل گفته در حسابات
 شان افزود و بتحصیل اریز داده اند در کات کسر عمل
 در حساب مجری شود .

(۲۳) - عهده دارانیکه املاک سرکاری و یا وجومات را متعهد
 شده اند و یا بطور تقاوی بر اساس خریداری اشیا
 بشرائط معینۀ قرارداد نموده اند و از طرف دولت
 بشرائط قرارداد شان رفتار نشده و تا حال
 حساب شان قطع نگردیده باشد قرارداد ذیل اجرا شود
 و اگر سابق حساب شان قطع شده باشد بهمان
 صورتیکه قطع شده درست است .

الف - بعضی معاملات را مثلاً پنجمالۀ قرارداد
 نموده اند و درین یکسال و دو سال از طرف

دولت بدون قصور اجاره دار حکماً فسخ عهده
شان شده باشد سالهائی را که کاملاً
عمل کرده باشند بقرار عهده براری شان
حساب و گرفته شود، همانسال ناقص که
اجاره شان از طرف دولت فسخ شده است
از آن عهده برار معاف و اصل آنرا بدون
اذن جمع گرفته تاریخ عمل کردی شان سنجیده
و گرفته شود، و اگر خود عهده برارست یعنی شده
باشد و یا از طرف دولت بسبب معارضه
شماره فسخ تعهد آنها گردیده باشد تاریخ
عمل کردی آنها از قرار اصل و اضافه گرفته شود.
بعضی معاملات بشرط تقاوی و یا آبادی
کامیابی و غیره بعهده قبولدار شدند
و از طرف دولت شرائط مذکور اجرا نشده
حساب اینطور کسان از قرار اصل جمع بدون اضافه

قطع شود و اگر اینچنین املاک لا مزروع بود
 هیچ عمل نکرده باشد قطعاً معاف شود .
 ج - بعضی اجناس که به نرخ معین قرار داد شد
 بشرط تقاوی هر قدر وجه آنرا برده باشند
 از قرار نرخ قرار داد مجری شود و هر قدر
 وجه آن داده نشده باشد تفاوت نرخ آن
 گرفته نشود .

(۲۴) - اسباب خورد و ریزه که قیمت آن هر کدام یکشاهی و
 ستار الی یکر و پیه شود مثل قطعه بازی شطرنج
 و گوت تحت نرد و صابون و قلم و پاکت و غیره
 که نگهداشت آن تکلیف بوده در باقی تحویلدار
 آمده باشد مجری داده شود .

(۲۵) - بعضی اجناس که بجز هر سه مثلاً در خانه سامانی ؛
 پاکت و کاغذ ، پن ، کاغذ گیر ، کتابچه ، سرسری
 شمع ، لاک ، که براس معاف و بقدر ضرورت

داده شده و تصدیق مصرف را حاصل نکرده در باقی

افزوده این قسم اشیا مجری شود .

(۲۶) :- بعضی اجناس که در جمع و خرج باس تجویدار از

موجودی گذشته با اسم داغمه تحویل شده و یا اسبابیکه

از تحویلی خود تجویدار با استعمال داغمه میشود و داغمه آن

قیمت ندارد و نگهداشت آن بر اس تجویدار آن

تکلیف است اینهمه سبب در حسابات ماضیه

مجری داده شود .

(۲۷) :- اشخاصیکه از دفتر پادشاهی تقاوی گرفته بودند که

اینقدر اشیا میرسانم و اگر به این موعده نرسانم

اینقدر جریمه میدهم و در قریان جریمه مذکور را در باقی

افزود نموده اند جریمه آن معاف کرده شد گرفته نمیشود .

(۲۸) :- اشخاصیکه وجه تقاوی بر اس خرید اشیا گرفته بودند

که با اینقدر نرخ بالقطع اینقدر اشیا میرسانم و به قریان

پادشاهی جنس مذکور بقراری قبولی شان بجمع شان بسته شد

چون جنس بازساینده اند از قرار قیمت ماه گران بالا
شان قیمت شده دولت تفاوت تسعیر ماه گران از اوضاع
فرموده باقی نرسیده گی شانرا از قرار وجه برده گی و
قرار داد شان حساب کرده شود .

(۲۹) :- باقیاتهاییکه از سالها که گذشته الی اخیر ۱۲۸۲ شمسی
در حسابات تحصیلداران باقی مانده است و سال سابق
از حساب یک تحصیلدار بحساب دیگر تحصیلدار داده شد
همه اینقسم باقیات که الی پانزده سال قبل ازین باشد
کم شود و موافق نظامنامه که در باره باقیات قبل از پانزده
ساله وضع میشود در آنها ب معمولدارند .

(۳۰) :- جریمه جاتیکه از باعث غفلت خدمت ویالشبیه دزدی
و غیره جریمه شده باشد و خود مجرم فوت باشد جریمه از
ورثه گرفته نمیشود، جریمه مذکور مجری داده شود .

(۳۱) :- کسرخشکی چوب سوخت و صابون و رنگ و ریش و اپاز
بقرار امتحاناتیکه در سابق امتحان شده مجری داده میشود .

(۳۲) :- اشیائیکہ بذمہ تجویداران از سالھماے ماضیہ باقیماندہ
 وسال بسال در جمع و خرج ہاے شان باقی افتادہ آنچنان
 اشیائیکہ کہنہ و خراب و فرسودہ میشود و یا شکست و بخت
 پیدا میکند امثال بوری و ترنگن و تنگ و توبرہ و جوال
 و بوری و ریسمان نخ و موئی و چاتی و کوزہ و آفتابہ گلی
 و جاروب و پکہ و فلیتہ تیل سوز و شیشہ لعل تین و آئینہ
 قطعی و غیرہ چیز ہائیکہ جنس مائع و ہوا میشود مثل تیرول و
 تیل خاک و شربیات و غیرہ امثال آن مجبری دادہ شود .

(۳۳) :- خانہ ہائیکہ براے گدام سرکاری و یا براے نشیمن
 مأمورین دولت بکرایہ گرفتہ شدہ باشد و یا دکانہا رعیتی
 کہ براے پہرہ ہاے کو توالی بکرایہ گرفتہ شدہ اینطور
 کرایہ بموجب تصدیق مأمورین ہمان زمان کہ موجود باشد
 و یا در حساب نشان دادہ شدہ باشد مجبری دادہ شود .

(۳۴) :- دکانہاے سرکاری و حمام و سراے ہا کہ خراب شدہ
 و یا کرایہ نشین پیدا شدہ عاملان سرکاری مجلاے

خرابی و لاعمل بودن آنرا بدست دارند و دفتریان قرار
سالهاست گذشته در جمع عاملان بسته اند از قرا
تصدیق مائیکه بدفتر ما داخل است یا موجود باشد
مجرای کرده شود .

(۳۵) :- تغییر رقم کاغذات صکوکات ذمه مأمورین که یک رقم باقی
قیمت گذاشته شده و وجه نقد باقی افتاده و از دیگر
رقم فاضل میباشد مأمورین اظهار دارند که بسبب اجراء
کار از یک رقم بعوض دیگر رقم بمصرف رسیده و بنصوت
فاضل و باقی آن از قرا قیمت معینت تسعیر گردیده مجرای
کرده شود و اگر قیمت فاضله اضافه شود استحقاق
مجرائی را ندارد .

(۳۶) :- اسپ های سقطی و مرکب اشتراک کند که پوست و داغ
و دم آنرا تحویل نموده اند و بسبب تغییر نشان و رنگ
مجرای داده نشده است و هر ذمه نائبان همچنان باقی
گذاشته و یا قیمت آن معین گردیده ذمه گی نائبان

گفته میشود در صورت اسپ که کبیر و سرخنگ بسرخنگ
 و سمند بسمند مجری کرده شود نشان چند تا سفید
 و یک پاسفید و قشقه برناق تحقیق نشود .

(۳۷) :- غله گدا مپار و بخرابی آورده و بقرار اجازه مرکز و یا بقر

صوابید و حکمنامه با برابری حکام برابر رعایا بصیغه
 تقاوی داده شده و گدا مدار حجت شرعی و یا عرفی بتصدیق
 حاکم گرفته خود گدا مدار فوت شده و یا موقوف گردیده
 تقاوی مذکور را بدقت قلمداد داده و از دفتر بر تحصیل
 داده شده و درینقدر سال تحصیل را با غفلت نموده
 الحال که باقی رعایا در تحت معافی آمده از قرار سند است
 رعایا و حکمنامه با برابری گدا مداران مجری ادا شود .

(۳۸) :- تعمیرات سرکاری که برابر مستاجر بطور اجاره

قرار داد شده و اخراجات آن بقرار پیمایش اول
 داده شده چون درینقدر سال پیمایش ثانی نشده
 اصل حواله داده گی در باقی کار داران باقی افتاب

اگر الحال پیمایش ثانی شود چون سالها گذشته
در تعمیر مذکور تغییرات زیاد شده اگر تصدیق تمامی
کار مذکور موجود باشد بقرار پیمایش اول مجری داده شود.

(۳۹) :- اشیائی که در جشن با و عیدین و غیره شکست و ریخت
پیدا کرده و یا مفقود شده باشد در همان تاریخ
تصدیق کار داران همان زمان را تولیداران بدست
داشته باشند تصدیق مذکور بخرج تولیداران مجری
کرده شود.

(۴۰) :- در باب مرمتکاری کا به کل کاری تعمیر باطها و چها و نیها
عسکری و پلها و عمارات شاهیه که بقرار رقعہ حکام و
منصبداران نظامی شده و دفتریان مخارج آنرا مجری
م داده فرمان پادشاهی را طالب میباشد اگر صرف
مذکور پراسر دولت باشد و مکتوب و خط حاکم و
منصبداران همان وقت بدفتر سرکاری داخل باشد مجری
داده شود.

(۴۱) - عمال و ضباط و اچاره دارانیکه بعد از مغزولی بدست
پادشاهی حاضر شده باشد و باقی ذمه گی خود را جزو
جاداد قبولی داده و از دفتر تحقیق شده و سند آن
ملاحظه شده باشد و تحصیل ارداد داده شده و اختیار
حواله و تحصیل از عمال و اچاره دار سلب شده از زمان
جاداد داده گی سال گذشته و از یک تحصیل اربدگیر تحصیل
دست بدست گشته و تحصیل اراغ غفلت نموده اند
جاداد مذکور علم آورده شود هر قدر در جاداد مذکور قبولی
اسامی و سند آن موجود باشد و داخل معافی االی
نیامده باشد گرفته شود و هر قدر فوت و فرار و لاجول
و سند قبولی آن باشد چون عمال اختیار تحصیل
نداشته و از خدمت موقوف شده بودند ملزم گفته نمیشوند
لااحصولی شان مجری داده شود .

(۴۲) - عمال و ضباط و عهده دار که وجه دولت بذمه شان
باقی مانده باشد و جاداد خود را بذمه رعایا بنهند

جاواد سالهاست سابقه آنکه بدفاتر پادشاهی
 بدمه رعایا قلمداد نموده باشد و تحصیلدار درین مقام
 در تحصیل آن غفلت نموده باشد و یا دفترها ب تحصیلدار
 نداده باشند اگر بقرار سند حسابی جاواد شان
 صحت باشد چون باقی ذمه کی رعایا تحت معافی میاید
 مجری داده شود .

(۶۳) :- اشخاصیکه بقسم مفزوری و یا ناقل و مهاجر با مرولت از
 یک ملک بدیگر ملک آورده شده تقاوی و بذر داده شده
 و یا مالیه املاک بدمه شان مانده در ثانی املاک از
 نزد شان واپس گرفته شده خود شان فوت یا فرار
 و یا بوطن اصلی خود مراجعت نموده اند باقی ذمه کی شان
 در حساب معاف و مجری داده شود .

(۶۴) :- اشخاصیکه از مأمورین و اجاره داران با قیده سرکار
 باشند و اسم شان بدفتر باشد محل سکونت آن
 از دفاتر پادشاهی معین نشود مأمورین محاسبه تا حد امکان

تحقیق نمایند اگر ممکن معلوم کردن نشود بموجب سند تحقیق

باقی مذکور در جمله لاصحولی آورده شود .

(۶۵) - مأمورین اجاره داران که باقی ده سرکار باشند خواه نقد

خواه جنس سکونت شان از مرکز ولایت الی شش گروهی

باشد الی پنجروپی، و از شش گروهی الی پنجاه گروهی

تا بیست روپیه باید در تحت تحصیل و حواله داده نشود

در جمع و خرج با بقسم معافی مجری داده شود .

(۶۶) - مأمورین و عهده داران که بسبب باقیات در مجبوبات

میباشند چون در تصفیة محاسبات شان علم آوری

نشده عجمالتا فقرات کار نفری مذکور فیصله شود .

(۶۷) - مأمورین و عهده دارانیکه در حسابات شان با قیدار بود

و باقی شان قبل از فیصله تحصیل داده شده و اشخاصیکه

بدون حساب بطریق ریزش بالاسی شان حواله شده

باقی مذکور را دستخط قبولی نکرده اند باقیات مذکور تا حال

مانده باقیاتها را مذکور و پس تسلیم مأمورین تصفیة محاسبی

ماضیه شود که هر فقره را بقرار قواعد این نظامنامه فیصله نمود
 فقره بفقره مذکور که تصفیه و تمام گردید صرف باقی آنرا بعد از
 قبولی بتحصیلدار بدینند .

(۶۸) - مأمورین و اجاره دارانیکه در یک ولایت مأمور بوده و
 باقیدار شده و حال خود شان بدیگر ولایت بوده باشند
 و از یک ولایت باقی شان بدیگر ولایت قلمداد شده
 و در حساب خود گفتگو نمایند بدو تفصیلاً
 اجرا شود :-

الف - باقی که بر ذمه مأمورین و اجاره داران مانده باشد
 و باقی شخصی گفته شود نقل او ارجح و نقل حساب
 از همان ولایت خواسته شود و روانه دارند
 طباب طلب رعایا که از قسم برداشت مأمورین
 باشد و سندات برداشت شان نزد رعایا
 باشد و مأمورین در اینجا عذر ملاحظه سند خود را
 بدارند در اینصورت یا خود اسامی بویا منسوبه اش

رفته فیصده میدارد و یا وکیل گرفته روانه میدارد

و اگر قبولدار باشد ادا دین میدارد .

ب :- باقی که از قسم جاداد ملک باشد اگر جاداد مذکور

در ملک باشد و سپس برانائب الحکومه و مستوفی

روانه شود که علم در جاداد و فقره گفتگویی آورده هر قدر

که در تحت معافی و ذمه گی رعایا باشد معاف

و باقی آنرا مطابق قواعد نظم امنایه بجا

اجرا نمایند .

(۶۹) :- در کاتیکه در دفعه مصارفات تشخیص و اخراجات داغمه

طلب حواله داده شده و داغمه آن بتجویل خانه ما تحویل

نشده و یا از جیره جیره خور و کسرات شهرور گردانیده نشده

و یا بعضه فقرات تصدیق طلب و حیاتی طلب که برات

داده شده و یا جیره و خرجی مفورین هندی که الی

تقدیم نمودن حضور از دقر خرجی داده شده و یا بعضه

بروات را بدون پابمهری براساسی داده اند

وامثال این فقرات که ذمه‌گی رعایا گفته میشود معاً
است .

(۵۰) - در باب دیت مقتولین که شرکاً بالا رعایا دیت شده
ویا تاوان مال مسروقه که بالا رعایا امر دادن شده
و بالا آن جریمه سرکاری نیز افزوده شده و در جمیع
و خرج ما باقی می‌باشد بقرا فقرات ذیل فیصله شود :-
الف - جریمه سرکاری هر قدر که حصول شده باشد
و بجز آنکه دولت رسیده باشد مجری است
و هر قدر که از رعایا گرفته شده و به سرکار
رسیده باشد از عامل و ضابط و حکام گرفته
و تحویل خزانه شود باقی که بر ذمه رعایا بماند
چون ذمه‌گی رعایا در تحت معافی آمده مجری
داده شود .

ب - وجه دیت که تعلق ورثه مقتولین و صاحب‌مال
داشته باشد اگر موافق شرعی باشد و بر ذمه

امانی باقی مانده باشد بقرار امر شرعی شریف و لفظنامه
 مخصوص آن تحصیل و برای ورثه و صاحب مال داده
 میشود و از کسانی که وجه دیت شرعی شان حصول شده
 و به خزائن دولت میباشد و برای ورثه مقتول
 داده نشده باشد بقرار رسید شرعی برای ورثه مقتول
 بلا برای خزانه برات داده شود . اما فیصله اولیه
 قاضی که در باب دیت اجرا شده ملاحظه شود تا حق
 ورثه حقیقی برای دیگران داده نشود تا او مال
 و دیت هاییکه بقرار احکام کتابچه حکومتی شده باشد
 و بر ذمه امانی باقی باشد گرفته نمیشود و معاف است .
 (۵۱) - وجه اعانه طرابلس غرب و عروسی معین سلطنه صاب
 و وجه خیرات و وجه مهرانه که با مورین و امانی قبول دارند
 و عصریه و جریمه و غیر حاضری که بدفاتر سرکاری داخل
 و تا حال نرسیده و باقی مانده معاف گفته میشود مجری
 داده شود .

شرائط اقساط

- (۵۲) :- اشخاصیکه باقی شان بقرار قواعد و هدايات این نظامنامه بصحت برسد مطابق بیانات ذیل تحصیل کرده میشود :-
- الف :- کسانیکه قبل ازین باقیات خود را قبولدار گردیدند دولت بهمراه او شان قسط نموده است عیناً همان قسط حکم منظوری در داخل کرد میشود .
- ب :- کسانیکه باقیات شان بموجب اخراجات این نظامنامه معین میشود و قبولدار میگرددند هرگاه صاحب جا داد باشند در کابل بزیعه والی و در ولایات بواسطه نایب الحکومه و حکام اعلیٰ نظر بهستی و جا داد همان باقیه از یکسال الی پانزده سال قسط مقرر نموده براس دولت محبت حاصل میدارند .
- ج :- اشخاصیکه باقی ده بدولت بوده جا داد

نداشته باشند و یا جادادشان با قید ہی آنها را
 پوره نکند هر گاه آردمان تندست و جوان باشند
 بکارهای شاقه دولت اشغال گردیده از
 شهریه شان از دولت ثلث الی المناصفه برانفق
 خود آنها داده شود و از یک ثلث الی المناصفه
 عوض باقی ذمه کی شان براس دولت گشته
 شو و اگر ضعیف و سال خورده باشند هیچ تکلیف آنها
 نکرده و اگذاشته شوند .

د: — کسانی که قبولدار قسط نباشند و جمله استی خود را بعض
 طلب دولت براد دولت و اگذار باشند استی اینست
 اشخاص بموجب قبائله شرعی اخذ کرده میشوند و بر
 نشیمن اینطور باقیات دهان جامع سکونت بمطابق
 اندازه شرع شریف داده شود و در باره خود آنها
 موافق تفصیل (ج) بعمل آورده شود .

ه: — کسانی که با قیدار بوده فوت شده باشند

هر قدر از جاداد و هستی آنها بر اسب ورثه
 شان مانده باشد موافق آن از ورثه آنها
 گرفته شود هرگاه جاداد موروثی اینچنین اشخاص
 باقی دولت را پوره نکند باقی دولت بقسم معافی
 مجرای شود و اضافه بر آن بجاداد و هستی ورثه
 آنها تعلق ندارد .

و: - کسانی که فوت و نامعلوم باشند و جادادند
 باشند باقیات اینطور اشخاص بموجب تحقیقات
 که سند صالح از پدر تحت معافی آورده میشود .

ز: - کسانی که به همراه شان قسط مقرر میشود الی ادا
 باقیات خود هستی خود را فروخته نملیتواند اگر
 بغرض ادا اسب قسط بفروش برساند اصل مبلغ
 فروش عوض باقیاتش گرفته میشود .

(۵۳) - بدون قواعدها مفصله هذا اگر بعضی فقرات پیش شود
 که در جمله قواعدها این نظامنامه نیامده باشد نظری ما میرسد

تصفیه محاسبه ماضیه فقرات مذکور را بطور لایحه مرتب
 نموده حواله بشورای دولت میدارند البته بعد از
 تصویب مجلس شورا و منظور مجلس عالی و زرا بطور ضمیمه
 درین نظامنامه ایزاد کرده میشود.

(۵۶) — کسانیکه از مأمورین خلاف این نظامنامه رفتار بدانند
 و یا کسانیکه از حساب دهان سرکشی نمایند مطابق
 نظامنامه جزای عمومی در تحت محاکمه گرفته میشوند.
 در کابل وزارت مالیه و در اطراف نائب الحکومه ها و
 حکام اعلیٰ و ستوفیان ولایات و سررشته داران
 اعلیٰ باجرای این نظامنامه مأمور و مکلف هستند.



شماره ۲۰۲۳۰۲